

معناشناسی واژه «فاحشه» در قرآن

آزیتا سامانی^۱

چکیده

فهم درست و دقیق واژگان قرآن نخستین و مهم ترین گام در عرصه ی فهم قرآن کریم است. یکی از پرکاربردترین و جدیدترین روش ها در فهم قرآن، روش معناشناسی است که از منظر زبانشناسی، دانشی است که به بررسی معنا می پردازد. واژه مورد بررسی در این نوشتار، فاحشه است. فَاحِشَةُ افعال یا گفتاری است که قباح و زشتی آنها بسی بزرگ و آشکار می باشد و در مصادیقی از جمله زنا، لواط و... به کار رفته است. در این مقاله سعی شده کاربرد واژه فاحشه در قرآن مورد بررسی قرار گیرد که در برخی از آیات، به هر عمل زشت، گناه و نافرمانی از خداوند اطلاق شده و در برخی دیگر، برای بیان مصادیقی همچون لواط، زنا، ازدواج با همسر پدر، آزدن شوهر و... که اقوال مفسران نیز این معانی را تصدیق کرده است.

کلید واژه: قرآن، فاحشه، زنا، لواط، ازدواج با همسر پدر، آزدن شوهر.

^۱. طلبه سطح دو مدرسه علمیه حضرت ولی عصر (عج)، Samanisamani65@gmail.com

از نظر لغت‌شناسان و مفسران، بررسی معنای واژه‌های قرآن یکی از ضرورت‌های ترجمه و تفسیر قرآن است. این ضرورت در باب واژگانی که دارای گستردگی معنا هستند، چندین برابر می‌شود. یکی از این واژه‌ها فاحشه می‌باشد که در برخی از آیات قرآن ذکر شده است و در هر کدام از آیات شریفه، با توجه به قرائن و مضمون آن، دارای معنایی متفاوت می‌باشد. در این مقاله نیز سعی بر آن است که این معانی ذکر گردیده و اقوال مفسرین گرانقدر درباره آن بیان گردد.

«فاحشه» از نظر اهل لغت

«فاحشه» از ریشه «ف،ح،ش» به معنی بسیار زشت است گرچه بعضی قبیح مطلق گفته‌اند. در قاموس

گوید: فاحشه هر گناهی است که قبیح آن زیاد باشد.^۲

راغب اصفهانی در معنای فاحشه گفته است: «فُحْش، فَحْشَاء و فَاحِشَةٌ: افعال یا گفتاری است که

قباحت و زشتی آنها بسی بزرگ و آشکار است.»^۳

در مقایس اللغه چنین آمده است: «الفاء و الحاء و الشین، زشتی و شناعة است و زمانی به خارج

شدن یک شیء از حد و اندازه فاحش گفته می‌شود که بسیار ناخوشایند باشد.»^۴

چنان که بر چیزی که از حد بگذرد، «فاحش» اطلاق می‌شود و جمله «غبن فاحش» به معنای زیانی

است که از حد متعارف بیشتر است.^۵

۲. قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۵۳.

۳. مفردات الفاظ قرآن، ج ۳، ص ۱۹.

۴. معجم مقاییس اللغه، ج ۴، ص ۴۷۸.

۵. المصباح المنیر، ص ۴۶۳.

«الفحشاء: الفاحشه. وكل شيء جاوز حدّه فهو فاحش...»^۶ یعنی هر چیزی که از اندازه خویش تجاوز کرد فاحش خوانده می شود. بنا بر این تعریف مناسب است هر گناهی فاحش و فاحشه خوانده شود؛ زیرا بنده عاصی پا را از حد خود بیرون نهاده و از حد بندگی تجاوز کرده است.

«وقد تكرر الفحش و الفاحشه و الفواحش في الحديث، و هو كل ما يشتمل قبحه من الذنوب و المعاصي و كثيراً ما ترد الفاحشة بمعنى الزنا. و كل خصلة قبيحة فهي فاحشة من الأقوال و الأفعال»^۷ یعنی این که هر چیز زشت مانند گناهان، فاحشه و فحش و فواحش نامیده می شود. البته در موارد بسیاری «فاحشة» به زنا اطلاق می شود و هر خصلت زشت خواه در گفتار و خواه در کردار فاحشه نامیده می شود. بنابر این هر گناهی فاحشه است.

«الفاحشة: الزنى و ما يشتمل قبحة من الذنوب و كل ما نهى الله عزّو جل عنه»^۸ یعنی فاحشه عبارت است از چیز بسیار زشت؛ مانند گناهان و هر آنچه خداوند آن را نهی کرده است.

علامه طباطبایی نیز در المیزان آورده است: مفرد فواحش، فاحشه است و آن عبارت است از گناه بسیار زشت که زنا و لواط در آیه های ۱۰۵ سوره اسراء و ۵۴ سوره نمل از مصادیق آن به حساب آمده اند.^۹

واژه فاحشه در قرآن

واژه «فاحشه» در آیه از آیات قرآن ذکر شده است که با توجه به مضمون آیه می توان گفت در معانی چون عمل بسیار زشت، زنا، لواط و ازدواج با همسر پدر بیان گردیده که در ادامه، آیات مربوط به این معانی ذکر خواهد شد.

^۶ . الصحاح تاج اللغة، ج ۳، ص ۱۰۱۴.

^۷ . النهاية في غريب الحديث، ج ۳، ص ۲۱۵.

^۸ . القاموس المحيط، ج ۲، ص ۲۸۲.

^۹ . تفسير الميزان، ج ۱۸، ص ۶۲.

۱- عمل بسیار زشت

خداوند در ۱۳۵ سوره آل عمران می فرماید: (وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ)

علامه طبرسی در تفسیر آن می فرماید: اصل فاحشه از فحش است و فحش یعنی قبح و گناه بزرگ مرتکب شدن و از این رو به کسی که به حد افراط بلند باشد فاحش الطول گویند.

ایشان در معنی فاحشه چند قول را آورده است: ۱- فاحشه یعنی زنا، ۲- فاحشه گناهان کبیره است ۳- فاحشه اسم هر گناه ظاهر و پنهانی است الا اینکه معمولاً جز در مورد کبیره اطلاق و استعمال نمی شود.^{۱۰}

در تفسیرشبر نیز منظور از (وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً) کسانی می داند که گناه بسیار زشت انجام دهند که اثر آن به دیگران سرایت کند.^{۱۱} و یا مراد از (وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً) گناهی است که زشتی آن آشکار است.^{۱۲}

خداوند در آیه ۲۸ سوره اعراف می فرماید: (وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ...)

در مجمع البیان آمده است که مراد از فاحشه طواف برهنه است و مراد از فحشا اسمی است که دربرگیرنده تمام زشتی ها و گناهان است.^{۱۳} علامه طباطبایی در المیزان بعد از نقل مطالب یاد شده از مجمع البیان و دیگران طواف برهنه را مصداقی از مصادیق فاحشه دانسته است و معنای فاحشه را اعم از طواف برهنه دانسته است.^{۱۴}

^{۱۰}. مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۹۴.

^{۱۱}. تفسیر القرآن الکریم (شبر)، ج ۱، ص ۶۷.

^{۱۲}. تفسیر روان جاوید، ج ۱، ص ۲۹۷.

^{۱۳}. مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۳۹ تا ص ۲۴۰.

^{۱۴}. تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۷۳.

خداوند در آیه ۳۰ سوره احزاب می فرماید: (مَنْ يَأْتِ مِنْكُمْ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يَصَاعِقْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ)

از بیان مصادیق مختلف در تفاسیر یاد شده به دست می آید که فاحشه به معنای هر عمل زشت، گناه و سرپیچی در برابر فرمان های خداوند است که طبق فرموده علامه طباطبایی اعمالی مانند آزردن پیامبر، دروغ بستن و مانند آنها را شامل می شود و «مبینة» به معنای آشکار است.^{۱۵}

۲- زنا

خداوند در آیه ۱۵ سوره نساء می فرماید: (وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاَسْتَشْهَدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً....)

به اتفاق مفسران «الفاحشة» در این آیه به معنای زناست. شیخ طوسی ذیل آیه شریفه آورده است که این قول مفسران است که مراد از «الفاحشة» در این آیه زنا می باشد.^{۱۶}

خداوند در آیه ۲۵ سوره نساء می فرماید: (...فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ)

چنانچه آیه نیز در این معنی ظهور دارد می توان گفت همه مفسران پذیرفته اند که مراد از فاحشه در این آیه زناست.^{۱۷}

خداوند در آیه ۳۲ سوره اسراء می فرماید: (وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا)

از اینکه در آیه ابتدا از زنا نهی کرده و سپس آن را تعلیل کرده به اینکه زنا فاحشه و شیوه بدی است معلوم می شود که زنا با فاحشه در معنی مترادف نیستند، بلکه مفهوم فاحشه گسترده تر از مفهوم زناست

^{۱۵} . همان، ج ۱۶، ص ۳۰۷.

^{۱۶} . التبیان فی التفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۴۳.

^{۱۷} . مجمع البیان، ج ۳، ص ۶۴؛ التفسیر الصافی، ج ۱، ص ۴۴۱؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۷؛ تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۷۸؛ جامع البیان، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۳۹.

و زنا از مصادیق آن است. ابی الجاورد می گوید: امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فرمود: (وَلَا تَقْرَبُوا الزَّيْنَةَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً)؛ یعنی معصیه و مقتاً فان الله یمقته و یمغضه» در این روایت به هر گناهی فاحشه اطلاق کرده است.^{۱۸}

۳- ازدواج با همسر پدر

خداوند در آیه ۲۲ سوره نساء می فرماید: (وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا...)؛

در این آیه ازدواج با همسر پدر فاحشه اطلاق شده است. از رسم‌های غلطی که در جاهلیت رواج داشت، ازدواج با همسر پدر بود؛ البته عده‌ای از مردم که مروت و آزادگی داشتند، مخالف این نکاح بودند و این نکاح نزد آنان معروف به نکاح مقت بود.^{۱۹} قرآن این رسم جاهلی را نکوهش می‌کند و آن را فاحشه می‌خواند.

۴- لواط

خداوند در آیه ۸۰ سوره اعراف می فرماید: (وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ)

و نیز در آیه ۵۴ سوره نمل می فرماید: (وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ)

و نیز در آیه ۲۸ سوره عنکبوت می فرماید: (وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَأَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ)

روشن است که مراد از فاحشه در آیات شریفه، لواط است؛ زیرا آیات مربوط به قوم لوط و فعل آنان لواط بوده است.

^{۱۸}. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۹.

^{۱۹}. تفسیر الکشاف، ج ۱، ص ۴۹۲-۴۹۳.

۵- آزدن شوهر

خداوند در آیه ۱ سوره طلاق می فرماید: (لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ)

اقوال مفسران درباره فاحشه در این آیه شامل مصادیقی مانند زنا، سحاق، اشراف به مردان اجنبی، سرقت از شوهر، بدگویی به شوهر و بستگان آن، نشوز در برابر شوهر، هر گناه آشکار، بیرون رفتن از منزل بدون اذن شوهر می باشد.^{۲۰} اما به نظر می رسد بعد از دقت در کلمات، مقصود از فاحشه در آیه، هر عملی است که موجب آزار شوهر گردد.

همچنین خداوند در آیه ۱۹ سوره نساء می فرماید: (... إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ...)

در اینکه مراد از «فاحشه مبینه» چیست سخنانی گفته شده است، اما در مجمع البیان و جامع البیان آمده است: بهتر آن است که بگوییم مراد آیه همه گناهان است چنانچه این مطلب مطابق روایت امام باقر علیه السلام نیز هست. چرا که طبق فرمایش امام علیه السلام فاحشه در آیه بر اعم از زنا، نشوز، بد رفتاری، عدم عفت و غیر آن اطلاق شده است.^{۲۱}

^{۲۰}. مجمع البیان، ص ۱۸۹؛ تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۲۰؛ جامع البیان، ج ۸، ص ۲۰.

^{۲۱}. مجمع البیان، ج ۳، ص ۴۷؛ جامع البیان، ج ۴، ص ۴۱۰-۴۱۳.

نتیجه گیری

معناشناسی قرآن، تحقیق و مطالعه ای تحلیلی درباره واژگان عربی است که به وسیله آن بطون آیات و واژه ها با توجه به توان علمی و اطلاعات بشری استخراج می شود. در این مقاله با استفاده از این روش به بررسی واژه فاحشه پرداخته شد که نتایجی چند حاصل شد:

فاحشه در لغت به معنای عمل قبیح و زشت است و به همه افعال یا گفتاری اطلاق می شود که قباح و زشتی آنها بسی بزرگ و آشکار است که مصداق بارز آن زنا می باشد.

از جمع بندی گفتار مفسران در تفسیر آیاتی که واژه فاحشه در آن به کار رفته به دست می آید که مفهوم حقیقی فاحشه، مطلق زشتی و هر گونه سرپیچی از فرمان خداست و این مفهوم منطبق بر مطلق گناهان است و بر هر گناهی اطلاق این واژه صحیح است. اما در آیاتی از قرآن، در برخی از مصداق زشتی به کار رفته است؛ مانند زنا، لواط، ازدواج با همسر و پدر، آزدن شوهر، طواف برهنه و...

منابع و مأخذ

- (۱) قرآن کریم
- (۲) قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ: ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
- (۳) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، چاپ: دوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ ش.
- (۴) ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- (۵) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، چاپ: دوم، قم: موسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ ه. ق.
- (۶) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة، تحقیق احمد عطار، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.
- (۷) ابن الاثیر، النهایة فی غریب الحدیث، چاپ چهارم، تحقیق طاهر احمد و دیگران، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۴ ش.
- (۸) الهورینی، الشیخ نصر، القاموس المحيط، بی جا: بی نا، بی تا.
- (۹) طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین، بی تا.
- (۱۰) طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تحقیق لجنة من العلماء، بیروت: موسسه الاعلامی، ۱۴۱۵ ق.
- (۱۱) شبر، سید عبدالله، تفسیر القرآن الکریم (شبر)، بیروت: دارالبلاغه، ۱۴۱۲ ق.

۱۲) ثقفی، محمد، تفسیر روان جاوید، چاپ سوم، تهران: برهان، ۱۳۹۸ ق.

۱۳) طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی التفسیر القرآن، تحقیق احمد عاملی، قم: مکتب

الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.

۱۴) فیض کاشانی، محسن، التفسیر الصافی، چاپ دوم، تحقیق حسین اعلمی، تهران: مکتبه

الصدر، ۱۴۱۶ق.

۱۵) طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.

۱۶) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، چاپ سوم، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.

۱۷) زمخشری، محمود، تفسیر الکشاف، بی جا: بی نا، بی تا.